

اول و قریہ نام ایرودانا

اخر چرخ ادب

دیوان اشعار، انو پروین اعظمی

شامل: قصاید، شویات، تشلیات، مرقعات

نشر دھام

سرشناسه	:	اعتصامی، پروین، ۱۲۸۵ - ۱۳۲۰.
عنوان قراردادی	:	دیوان
عنوان و نام پدیدآور	:	اختر چرخ ادب: دیوان اشعار بانو پروین اعتصامی شامل: قصاید ... / با مقدمه ملک الشعرای بهار؛ نمونه خوانی، ویرایش نشانگانی، تنظیم واژگان علیرضا شریفی راد.
مشخصات نشر	:	تهران: دلهام، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	[۹] ص ۳۱۷.
شابک	:	978-964-8568-72-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	دیوان اشعار بانو پروین اعتصامی شامل: قصاید ...
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده	:	بهار، محمد تقی، ۱۲۶۵ - ۱۳۳۰، مقدمه نویسی
شناسه افزوده	:	شریفی راد، علیرضا، ۱۳۴۷ -، مصحح، ویراستار
رده بندی کنگره	:	ج ۱۳۹۷ PIR۷۶۱۴
رده بندی دیویی	:	۶۲/۱۸۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۸۴۳۲۶

شناسه کتاب

نام: اختر چرخ ادب: دیوان اشعار بانو پروین اعتصامی

شامل قصاید، مثنویات، مثنیات، مقطعات

با مقدمه استاد ملک الشعرای بهار به اهتمام راهنمای واژگان

نمونه خوانی، ویرایش نشانگانی، تنظیم واژگان:

علیرضا شریفی راد

ناشر: انتشارات دلهام

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

شابک: ۱-۷۲-۸۵۶۸-۹۶۴-۹۷۸

نشانی ناشر: تهران- خ شریعتی- روبروی بهار شیراز- خ مقدم- خ ادیبی- خ کشوری- شماره ۶- واحد همکف

کد پستی: تهران ۱۶۱۳۸۱۷۹۱۱

تلفن: ۶۶۹ ۶۱ ۶۶۹

WWW.KETAAB.COM

* کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر است.

* نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

بخش اول: قصاید

شماره	نام	صفحه
قصیده ۲۲	در خانه شهنه خفته و دزدان به گوی و بام	۴۴
قصیده ۲۳	دزد تو شد این زمانه ریم	۴۵
قصیده ۲۴	دگر باره شد از تاراج بهم	۴۶
قصیده ۲۵	دل اگر توشه و توانی داشت	۴۸
قصیده ۲۶	رهانیت باید، رها کن جهان را	۴۹
قصیده ۲۷	سر و عقل گر خدمت جان کنند	۵۰
قصیده ۲۸	سوخت اوراق دل از آخگر پنداری چند	۵۱
قصیده ۲۹	سود خود را چه شماری که زیانکاری	۵۳
قصیده ۳۰	شالوده کاخ جهان بر آست	۵۴
قصیده ۳۱	مافل از کار بزرگی طلبید	۵۵
قصیده ۳۲	فلک، ای دوست، ز بس بی حد و بی مر کرده	۵۷
قصیده ۳۳	کار مده نفس تبهکار را	۵۹
قصیده ۳۴	کارها بود در این کار که اخضر	۶۰
قصیده ۳۵	گرت ای دوست بود دیده روشن بین	۶۲
قصیده ۳۶	گردن نرهد ز تند رفتاری	۶۳
قصیده ۳۷	دین، عارفان هنر و علم کی میاست	۶۴
قصیده ۳۸	تا راستی خردمند وام از ایام	۶۶
قصیده ۳۹	کسی گفت که دنیا و بسی میهم	۶۷
قصیده ۴۰	هفته هر دیدم ما را سالها کردیم یار	۶۹
قصیده ۴۱	همی با عقل و حسن و رانی	۷۰
قصیده ۴۲	یکی پرسید از سفرای درین چه خواندستی	۷۱

شماره	نام	صفحه
قصیده ۱	آن کس که جوهر مرغ بی نشانست	۱
قصیده ۲	آهوی روزگار آهوی، از در است	۴
قصیده ۳	اگر چه در ره هست هزار دشواریست	۵
قصیده ۴	اگر روی طلب ز آئینه معنی نه	۶
قصیده ۵	ای بی خبر ز منزل و پیش هنگ	۹
قصیده ۶	ای دل، بقا دوام و بقائی چرا نه داشت	۱۰
قصیده ۷	ای دل عبت مغرور شم دنیا را	۱۲
قصیده ۸	ای دل، فلک سلفه کجمدار است	۱۵
قصیده ۹	ای دوست، دزد حاجب و دربان نمی شود	۱۸
قصیده ۱۰	ای سیه مار جهان را شده افسونگر	۱۹
قصیده ۱۱	ای شده سوخته آتش نفسانی	۲۲
قصیده ۱۲	ای شده شفته گیتی و دورانش	۲۵
قصیده ۱۳	ای عجب! این راه نه راه خداست	۲۹
قصیده ۱۴	ای کنده سیل فتنه ز بنیادت	۳۱
قصیده ۱۵	بد منشاند زیر کنبد گردان	۳۲
قصیده ۱۶	بسوز اندرین تپه، ای دل نهانی	۳۴
قصیده ۱۷	پرده کس نشد این پرده میناگون	۳۷
قصیده ۱۸	تا به بازار جهان سوداگریم	۳۸
قصیده ۱۹	تو بلند آوازه بودی، ای روان	۳۹
قصیده ۲۰	حاصل عمر تو افسوس شد و حرمان	۴۰
قصیده ۲۱	دانی که را سزد صفت پاکی	۴۳

بخش دوم: مثنویات، تمثیلات و مقطعات

شماره	نام	صفحه
۴۶	آرزوها: ای خوش از تن گوچ گردن، خانه در جان داشتن	۷۸
۴۷	آرزوها: ای خوشا خاطر ز نور علم مشعون داشتن	۷۸
۴۸	آرزوها: ای خوش اندر گنج دل زر معانی داشتن	۷۹

شماره	نام	صفحه
۴۹	آتش دل: به لاله نرگس مغرور گفت وقت سحر	۷۵
۴۹	آرزوها: ای خوشا مستانه سر در پای دلبور داشتن	۷۶
۴۹	آرزوها: ای خوشا سودای دل از دیده پنهان داشتن	۷۷

شماره	نام	شماره
۴۹	آرزوی پرواز: گویتر بجهای با شوق پرواز	۷۹
۵۰	آرزوی مادر: جهاننیده کشاورزی بدشتی	۸۱
۵۱	آشایش بزرگان: شنیده‌اید که آشایش بزرگان چیست	۸۲
۵۲	آشیان ویران: از ساحت پاک آشیانی	۸۲
۵۳	آتین آینه: وقت سحر، به آینه‌ای گفت شانه‌ای	۸۴
۵۴	احسان بی‌نمر: بارید ابر بر گل پژمده‌ای و گفت	۸۵
۵۵	ارزش گوهر: مرغی نهاد روی به باغی ز خرمنی	۸۶
۵۶	از یک غزل: بی روی دوست: دوش شب ما سحر نداشت	۸۷
۵۷	اشک یتیم: روزی گذشت پادشهی از گذر گهی	۸۷
۵۸	امروز و فردا: بلیل آهسته به گل گفت شبی	۸۸
۵۹	امید و نومیدی: به نومیدی، سحر که گفت امید	۸۸
۶۰	اندوه فقر: با دوک خویش، پیریزی گفت وقت کار	۹۰
۶۱	ای رنجبر: تا به کی جان کنند اندر آفتاب ای رنجبر	۹۱
۶۲	ای گریه: ای گریه، آنچه شد که ناگاه	۹۲
۶۳	ای مرغک: ای مرغک، ز آشیانه	۹۴
۶۴	یاد بروت: عالمی را زده به نادانی	۹۵
۶۵	بازی زندگی: عذسی وقت پختن بر آتش	۹۷
۶۶	بام شکسته: بادی وزید و لاله خردی خرد	۹۸
۶۷	بلیل و مور: بلیلی از جلوه گل	۹۸
۶۸	برف و بوستان: به ماه دی، گلستان	۱۰۲
۶۹	برگ گریزان: شنیدستم که وقت برگریزان	۱۰۴
۷۰	بنفشه: بنفشه سعدمد الهسد و باغبان گفتی	۱۰۷
۷۱	بهای جوانی: خمید نرگی پژمده‌ای ز اندوه و شرم	۱۰۷
۷۲	بهای نیکی: بزرگی داد یک درهم کدا را	۱۰۰
۷۳	بی آرزو: به غاری تیره، درویشی دمی خفت	۱۰۰
۷۴	بی پدر: به سر خاک پدر، دخترکی	۱۱۰
۷۵	پایمال آرزو: دید موری در رمی پیلی سترگ	۱۱۱
۷۶	پایه و دیوار: گفت دیوار قصر پادشهی	۱۱۳
۷۷	پیام گل: به آب روان گفت گل کاز تو خواهم	۱۱۵
۷۸	پیگ پیری: ز سری، موی سپیدی روئید	۱۱۵
۷۹	پیوند نور: به دامان گلستانی شبانگاه	۱۱۶
۸۰	تاراج روزگار: نهال تازه رسی گفت با درختی خشک	۱۱۸
۸۱	توانا و ناتوان: در دست بانویی، به نهی گفت سوزنی	۱۱۹
۸۲	توشه پژمده‌گی: لاله‌ای را نرگی پژمرده گفت	۱۲۰
۸۳	تهی‌دست: دختری خرد، به مهمانی رفت	۱۲۱
۸۴	تیر و کمان: گفت تیری با کمان، روز نبرد	۱۲۳
۸۵	تیر بهیشت: دختری خرد، شکایت سر کرد	۱۲۴
۸۶	تیمار خوار: گفت ماهیخوار با ماهی ز دور	۱۲۶
۸۷	جامه هرفان: به درویشی، بزرگی جامه‌ای داد	۱۲۷
۸۸	جان و تن: کودکی در بر، قبائی سرخ داشت	۱۲۹
۸۹	جمال حق: نهان شد از گل زردی کلی سبید که ما	۱۳۰
۹۰	جولای خدا: کاهلی در گوشه‌ای افتاد سست	۱۳۱
۹۱	چند پند: کسی که بر سر نرد جهان قمار نکرد	۱۳۵
۹۲	حدیث مهر: گنجشک خرد گفت سحر با کیوتری	۱۳۶

شماره	نام	شماره
۹۳	حقیقت و مجاز: بلیلی شیفته می‌گفت به گل	۱۳۷
۹۴	خاطر خشنود: به طعنه پیش سگی گفت گریه کای مسکین	۱۳۷
۹۵	خوان گرم: بر سر راهی، گدائی تیرمروز	۱۳۸
۹۶	خون دل: مرغی به باغ رفت و یکی میوه کند و خورد	۱۴۰
۹۷	درخت بی بر: آن قصه شنیدید که در باغ، یکی روز	۱۴۱
۹۸	دریای نور: به الماس می‌زد چکشی زرگری	۱۴۲
۹۹	دزد خانه: حکایت کرد سرهنکی به کسری	۱۴۵
۱۰۰	دزد و قاضی: برد دزدی را سوی قاضی عسس	۱۴۵
۱۰۱	دکان ریا: این چنین خواندم که روزی روبهی	۱۴۷
۱۰۲	دو محضر: قاضی گشمر ز محضر، شامگاه	۱۴۹
۱۰۳	دو همدره: بلیلی گفت به گنج قفسی	۱۵۲
۱۰۴	دو همراز: در آبگیر، سره‌کار بط به ماهی گفت	۱۵۴
۱۰۵	دیدن و نادیدن: شبی به مردمک چشم، طعنه زد مژگان	۱۵۵
۱۰۶	دیده و دل: شکایت کرد روزی دیده با دل	۱۵۶
۱۰۷	دیوانه و زنجیر: گفت با زنجیر، در زندان شبی دیوانه‌ای	۱۵۷
۱۰۸	فره: شنیده‌اید که روزی به چشمه خورشید	۱۵۸
۱۰۹	فره و خفاش: در آن ساعت که چشم روز می‌خفت	۱۶۰
۱۱۰	راه دل: ای که عمریست راه پیمانی	۱۶۱
۱۱۱	رفوی وقت: گفت سوزن با رفوگر وقت شام	۱۶۲
۱۱۲	رنج نخست: خلیل‌خار درشتی به پای طفلی خرد	۱۶۴
۱۱۳	روبه نفس: ز قلعه، ماکپانی شد به دیوار	۱۶۴
۱۱۴	روح آزاد: تو چو زری، ای روان تابانک	۱۶۶
۱۱۵	روح آزرده: به شکوه گفت جوانی فقیر با پیری	۱۶۸
۱۱۶	روشی آفرینش: سخن گفت با خویش، دلوئی به نخوت	۱۶۹
۱۱۷	زاهد خودبین: آن نشنیدید که در شیروان	۱۷۰
۱۱۸	زن در ایران: زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی	۱۷۲
۱۱۹	زید و سیاه: کیوتری، سحر اندر هوای پروازی	۱۷۳
۱۲۰	زنجیر: به سنگی‌ها، نهفتن به عمری غم آشکاری	۱۷۴
۱۲۱	زنجیر: به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم	۱۷۵
۱۲۲	سره‌خوار: سره‌خوار، سرود این چنین خارکن	۱۷۷
۱۲۳	سرو سنگ: جان، سره‌خوار، نه در جیب، سنگی	۱۷۹
۱۲۴	سعی و غم: به راه، سره‌خوار، دید موری	۱۸۰
۱۲۵	سفر اشک: اشک، دید را گردید و رفت	۱۸۱
۱۲۶	سینه روی: به گنج مطبق، ناله گفت به دیگ	۱۸۲
۱۲۷	شاهد و شمع: شاهدهی گفت به شمع، کامشب	۱۸۳
۱۲۸	شب: شایه‌نگام، کین فیروزه گلشن	۱۸۴
۱۲۹	شباویز: چو رنگ از رخ روز، پرواز کرد	۱۸۶
۱۳۰	شرط نیکنامی: نیکنامی نباشد، از ره عجب	۱۸۸
۱۳۱	شکایت پیرزن: روز شکار، پیرزنی با قباد گفت	۱۸۸
۱۳۲	شکسته: با بنفشه، لاله گفت ای بی خبر	۱۸۹
۱۳۳	شکنج روح: به زندان تارکیک، در بند سخت	۱۹۰
۱۳۴	شوق برابری: ناروئی بود به هندوستان	۱۹۳
۱۳۵	صافه ماه: ستم احمیات: روزگری پند به فرزند داد	۱۹۴
۱۳۶	صاف و دره: غنچه‌ای گفت به پژمرده کلی	۱۹۷

شماره	نام	شماره
۱۳۷	صید پریشان: شنیدم بود در دامان راغی	۱۹۷
۱۳۸	طفل یتیم: کودکی گوزهای شکست و گریست	۲۰۰
۱۳۹	طوطی و شکر: ناجری در کشور هندوستان	۲۰۲
۱۴۰	عشق حق: عاقلی، دیوانه‌ای را داد بند	۲۰۴
۱۴۱	عمر گل: سحر که، غنجهای در طرف گلزار	۲۰۵
۱۴۲	عهد خونین: به بام قلعه‌ای، باز شکاری	۲۰۷
۱۴۳	عیبجو: راغی به طرف باغ، به طاوس طعنه زد	۲۰۸
۱۴۴	غرور نیکبختان: ز دامی دید گنجشکی همانی	۲۱۰
۱۴۵	فرشته انس: در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست	۲۱۲
۱۴۶	فریاد حسرت: فتنه طافری از لانه و ز درد یتیم	۲۱۴
۱۴۷	فریب آشتی: ز حیل، بر در موشی نشست گریه و گفت	۲۱۵
۱۴۸	فلسفه: نخواستی گفت لوبیانی را	۲۱۶
۱۴۹	فائد تقدیر: کرد آسیر آب، سحرگاه باز خواست	۲۱۶
۱۵۰	قدر هستی: سرو خند، سحر، بر تل سرخ	۲۱۸
۱۵۱	قلب مجروح: در کودکی به دامن مادر گریست زار	۲۱۹
۱۵۲	کار آگاه: گریه پیری، ز شکار اوفتاد	۲۲۰
۱۵۳	کارگاه حریر: به گرم پیله شنیدم، طعنه زد، درون	۲۲۲
۱۵۴	کاروان جمن: گفت با صید قفسی مرغ چه کرد	۲۲۲
۱۵۵	کارهای مادرخوانده: فرق سر از پای، حرم آیدیم	۲۲۳
۱۵۶	گریاس و الماس: یکی گوهر فروشی، ثروت اندوز	۲۲۴
۱۵۷	کعبه دل: که احرام، روز عید قربان	۲۲۶
۱۵۸	کمان قضا: موشکی را به مهر، مادر گفت	۲۲۸
۱۵۹	گونه نظر: شمع بگریست که سوز و گداز	۲۳۰
۱۶۰	کودک آرزومند: دی، مرشکی به مادر خود گفت، تا بجند	۲۳۱
۱۶۱	کوه و کاه: بهشم عجب، سوی کاه کرد کوه نگاه	۲۳۲
۱۶۲	کیفر بی‌هتر: به خویش، هیمه که سوختن به زاری گفت	۲۳۳
۱۶۳	گذشته بی‌حاصل: کاشکی، وقت را شتاب نبود	۲۳۵
۱۶۴	کوک و سگ: پیام داد سگ کله را، شبی گرگی	۲۳۶
۱۶۵	کوک و شبان: شنیدم یکی جوان نادان	۲۳۷
۱۶۶	گره کشای: پیر مردی، مفلس و برگشته بغت	۲۳۹
۱۶۷	گریه بی‌سود: باغبانی، قطره‌ای بر برگ گل	۲۴۲
۱۶۸	گفتار و کردار: به گریه گفت ز راه صواب، شیر زبان	۲۴۲
۱۶۹	گل بی‌عیب: بلبلی گفت سحر با گل سرخ	۲۴۵
۱۷۰	گل پژمرده: صیدم، صاحب‌دلی در گلشنی	۲۴۶
۱۷۱	گل پنهان: نفعت چهره گلی زیر برگ و بلبل گفت	۲۴۸
۱۷۲	گل خودرو: به طرف گلشنی، در نوبه‌اری	۲۴۸
۱۷۳	گل سرخ: گل سرخ، روزی ز گرما فسرده	۲۵۰
۱۷۴	گل و خار: در باغ، وقت صبح چنین گفت گل به خار	۲۵۳

شماره	نام	شماره
۱۷۵	گل و خاک: صیدم، تازه گلی خودبین گفت	۲۵۵
۱۷۶	گل و شبنم: گلی، خندید در باغی سحرگاه	۲۵۶
۱۷۷	کله بی‌جا: گفت گرگی با سگی، دور از ره	۲۵۸
۱۷۸	کنج ایمن: نهاد کودک خردی به سر، ز گل تاجی	۲۵۹
۱۷۹	کنج درویش: دزد عیاری، به فکر دستبرد	۲۶۰
۱۸۰	گوهر اشک: آن نشنیدید که یک قطره اشک	۲۶۴
۱۸۱	گوهر و سنگ: شنیدم که اندر معدنی تنگ	۲۶۵
۱۸۲	لطف حق: مادر موسی، جو موسی را به نیل	۲۶۸
۱۸۳	مادر دوراندیش: با مرغکان خویش، چنین گفت ماکیان	۲۷۱
۱۸۴	مرغ زیرک: یکی مرغ زیرک، ز کوتاه بامی	۲۷۲
۱۸۵	مست و هشیار: محتسب، مستی به ره دید و گریانش گرفت	۲۷۳
۱۸۶	معمار نادان: دید موری طاسک لغزنده‌ای	۲۷۴
۱۸۷	مناظره: شنیدم‌اید میان دو قطره خون چه گذشت	۲۷۷
۱۸۸	مور و مار: با مور گفت مار، سحر که به مرغزار	۲۷۸
۱۸۹	ناآزوده: قاضی بغداد، شد بیمار سخت	۲۷۹
۱۹۰	نااهل: نوکلی، روزی ز شورستان دمید	۲۸۲
۱۹۱	ناتوان: جوانی چنین گفت روزی به پیری	۲۸۳
۱۹۲	نامه به نوشیروان: بزرگمهر، به نوشیروان نوشت که خلق	۲۸۴
۱۹۳	نشان آزادگی: به سوزی ز ره شکوه گفت پیرهنی	۲۸۵
۱۹۴	نغمه خوشه‌چین: از دره پای، پیرزنی ناله کرد زار	۲۸۶
۱۹۵	نغمه رفوگر: شب شد و پیر رفوگر ناله کرد	۲۸۷
۱۹۶	نغمه صبح: صبح آمد و مرغ صبحگاهی	۲۸۸
۱۹۷	نکته‌ای چند: هر که با پاکدلان، صبح و مسائی دارد	۲۹۱
۱۹۸	نکوش بی‌جا: سیر، یک روز طعنه زد به پیاز	۲۹۲
۱۹۹	نکوش بی‌خبران: همای دید سوی ماکیان به قلعه و گفت	۲۹۳
۲۰۰	نکوش نگویند: جعل پیر گفت با انگشت	۲۹۴
۲۰۱	روز: سپیددم، نسیمی روح‌پور	۲۹۴
۲۰۲	جال: زاری نهال آرزو، خوش زی که بار آورده‌ای	۲۹۵
۲۰۳	بیکی دانا: اول قدم نیکدلان	۲۹۶
۲۰۴	هرج: با جادوخت با خاک، صبحگاهی یاد	۲۹۷
۲۰۵	همشین ناله: آب زد، وقت جوشیدن	۲۹۸
۲۰۶	یاد یاران: ای جسم جاه طلب، یاد	۳۰۰
۲۰۷	مقطعات	۳۰۳
۳۰۵	ابیات پراکنده	۳۰۵
۳۰۶	در تقویت پدر: پدر آن نیشه که بر خاک تو زد دست اجل	۳۰۶
۳۰۸	سنگ مزار پروین: این که خاک سپیش بالین است	۳۰۸
۳۱۱	راهنمای واژگان	۳۱۱